



# A Re-examination of the Foundations and Methodology of Ayatollah Muhammad Asif Mohseni's (d. 2019) Scientific Exegesis of the Quran, with Emphasis on the Utilization of Empirical Sciences

Dad Mohammad Amiri<sup>1</sup>

Abdulqadir Kamali<sup>2</sup>

1. Assistant Professor, International Research Institute of Imam Reza (A), Al-Mustafa International University, Mashhad, Iran. (The corresponding author). [Dma1359@gmail.com](mailto:Dma1359@gmail.com)

2. Assistant Professor, Head Department of Studies on Modern Islamic Civilization, International Research Institute of Imam Reza (A.S.), Al-Mustafa International University, Mashhad, Iran. [Sarepuli@gmail.com](mailto:Sarepuli@gmail.com)

DOI: 10.22034/iscw.2025.2066061.1175

*Original  
Research*

**Received:**  
2025-07-16

**Accepted:**  
2025-08-05

**Keywords:**  
Ayatollah  
Muhammad  
Asif  
Mohseni  
(d. 2019),  
Scientific  
Exegesis,  
Scientific  
Miracle,  
Quranic  
Verses on  
Science,  
Religious  
Rationality

**Abstract:** This study examines and analyzes the epistemological foundations and methodological framework of Ayatollah Muhammad Asif Mohseni (d. 2019), a prominent contemporary Islamic scholar, in his approach to the scientific exegesis of the Quran. Despite his distinguished contributions to the fields of hadith and rijāl (biographical evaluation of narrators), his approach to the interaction between the Quran and empirical sciences—one of the most significant yet challenging areas of contemporary epistemology—has not yet been subject to comprehensive and independent scrutiny. The primary objective of this article is to elucidate Ayatollah Mohseni's epistemological and methodological framework and to reconstruct his interpretive model as a balanced approach to leveraging modern scientific advancements in understanding the Quran. Employing a descriptive-analytical approach and based on a content analysis of Ayatollah Mohseni's written works, this study demonstrates that his interpretive methodology is grounded in clear and precise principles: conditional acceptance of a shared epistemic domain between the Quran and science with the ultimate goal of "guidance," belief in the compatibility of the Quran with "definitive scientific knowledge," adherence to the apparent meaning of the text while avoiding unwarranted reinterpretations, and, most crucially, an emphasis on a rigorous epistemological criterion distinguishing between "definitive and observable scientific findings" and "inferential and non-definitive theories." An analysis of the application of these principles to specific Quranic verses—such as those concerning gravity, the movement of the Earth, and animal consciousness—reveals that Ayatollah Mohseni, while avoiding hasty correlations, judiciously utilized scientific insights to uncover deeper semantic layers of the Quran, thereby affirming its dynamism and timelessness in the contemporary world. The findings of this study present Ayatollah Mohseni's interpretive model as a balanced, rationally grounded, and cautious approach, offering an effective framework for interdisciplinary studies of the Quran and science.



# بازخوانی مبانی و روش تفسیر علمی آیت‌الله محمد آصف محسنی (ره) با تأکید بر بهره‌گیری از علوم تجربی

دادمحمد امیری<sup>۱</sup>      عبدالقادر کمالی<sup>۲</sup>

۱. استادیار پژوهشکده بین‌المللی امام رضا (ع)، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)

[Dma1359@gmail.com](mailto:Dma1359@gmail.com)

۲. استادیار پژوهشکده بین‌المللی امام رضا (ع)، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، مشهد، ایران.

[Sarepuli@gmail.com](mailto:Sarepuli@gmail.com) / <https://orcid.org/0009-0004-9808-7681>

DOI: [10.22034/iscw.2025.2066061.1175](https://doi.org/10.22034/iscw.2025.2066061.1175)

**چکیده:** این پژوهش به بازخوانی و تحلیل مبانی و روش تفسیر علمی قرآن در اندیشه آیت‌الله محمدآصف محسنی (ره)، از اندیشمندان برجسته معاصر جهان اسلام، می‌پردازد. با وجود جایگاه ممتاز وی در علوم حدیث و رجال، رویکرد او به تعامل میان قرآن و علوم تجربی - به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و درعین‌حال چالش‌برانگیزترین عرصه‌های معرفتی معاصر - تاکنون به‌طور مستقل و عمیق بررسی نشده است. هدف اصلی این مقاله، تبیین چارچوب معرفت‌شناختی و روش‌شناختی آیت‌الله محسنی و بازسازی الگوی تفسیری او به‌عنوان مدلی سنجیده برای بهره‌گیری از دستاوردهای دانش مدرن در فهم قرآن است. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی - تحلیلی و بر پایه تحلیل محتوای آثار مکتوب آیت‌الله محسنی (ره)، نشان می‌دهد که روش تفسیری وی بر اصولی روشن و دقیق استوار است: پذیرش مشروط قلمرو مشترک معرفتی میان قرآن و علم با غایت «هدایت»، اعتقاد به سازگاری قرآن با «علم قطعی»، التزام به ظواهر متن و پرهیز از تأویل‌های بی‌ضابطه و مهم‌تر از همه، تأکید بر معیار معرفت‌شناختی سخت‌گیرانه در تمایز میان «یافته‌های قطعی و شهودی علمی» و «نظریه‌های استنتاجی و غیرقطعی». بررسی کاربست این مبانی در تفسیر مصادیق عینی - مانند آیات مربوط به نیروی جاذبه، حرکت زمین و شعور حیوانات - نشان می‌دهد که وی، با پرهیز از و تطبیق‌های شتاب‌زده، در عین بهره‌گیری سنجیده از ظرفیت‌های علمی، راه را برای کشف لایه‌های معنایی ژرف‌تر قرآن کریم و اثبات پویایی و جاودانگی آن در جهان معاصر گشوده است. نتیجه این پژوهش، معرفی الگوی تفسیری آیت‌الله محسنی به‌عنوان رویکردی متعادل، عقل‌گرا و محتاط است که می‌تواند چارچوبی کارآمد برای مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و علم فراهم آورد.

صص

۱-۳۲

علمی پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۴-۰۴-۲۵

پذیرش:

۱۴۰۴-۰۵-۱۴

کلیدواژه‌ها:

آیت‌الله

محمدآصف

محسنی (ره)،

تفسیر علمی،

اعجاز علمی،

آیات علمی،

عقلانیت دینی.

## ۱- مقدمه

در سپهر اندیشه اسلامی معاصر، تعامل میان آموزه‌های وحیانی و دستاوردهای علوم تجربی، یکی از گسترده‌ترین و چالش‌برانگیزترین عرصه‌های فکری به شمار می‌رود. در این میان، «تفسیر علمی قرآن کریم» به‌عنوان جریانی پویا، در پی آن بوده است که پیوندی نظام‌مند میان متن مقدس و دانش نوین برقرار کند و به پرسش‌های انسان معاصر در این زمینه پاسخ دهد. آیت‌الله محمدآصف محسنی (ره)، از فقها و اندیشمندان برجسته جهان اسلام در دهه‌های اخیر، با رویکردی عقل‌گرا و درعین‌حال پایبندی جدی به مبانی سنتی، حضوری مؤثر در این جریان داشته است. با آن‌که نام ایشان بیشتر با علوم حدیث و رجال گره خورده؛ اما ابعاد و عمق نگاه تفسیری وی، به‌ویژه در حوزه بهره‌گیری از علوم تجربی، کمتر به‌صورت تخصصی مورد بررسی قرار گرفته است و این امر، خلأی قابل‌توجه در شناخت منظومه فکری او ایجاد کرده است.

اهمیت این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که بازخوانی رویکرد آیت‌الله محسنی (ره)، فراتر از شناخت دیدگاه‌های یک مفسر، می‌تواند الگویی روشمند برای تعامل سنجیده با یافته‌های علمی در فرآیند فهم قرآن کریم ارائه کند؛ الگویی که نه به تحمیل نظریه‌های ناپایدار علمی بر قرآن می‌انجامد و نه از ظرفیت‌های دانش بشری برای تعمیق فهم آیات الهی غفلت می‌ورزد. از این‌رو، این مقاله با هدف بازسازی و تبیین مبانی نظری و روش عملی آیت‌الله محسنی در تفسیر علمی نگاشته شده است. پرسش محوری این تحقیق آن است که چارچوب معرفت‌شناختی و روش‌شناختی وی در مواجهه با آیات علمی قرآن چیست و این مبانی چگونه در تحلیل مصادیق عینی به کار گرفته شده است؟

برای دستیابی به این هدف، پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از تحلیل محتوای آثار مکتوب آیت‌الله محسنی (ره)، به واکاوی این موضوع می‌پردازد. در ساختار مقاله، ابتدا چارچوب مفهومی «تفسیر علمی» تبیین می‌شود تا زمینه ورود به بحث اصلی فراهم گردد. سپس، مبانی نظری و اصول شش‌گانه حاکم بر اندیشه تفسیری ایشان در این حوزه، شامل امکان‌سنجی تفسیر علمی، اصل سازگاری قرآن و علم قطعی، غایت‌شناسی گزاره‌های علمی، زبان قرآن و

صلاحیت معرفت‌شناختی علم، استخراج و تحلیل می‌شود. در گام بعدی، با بررسی نمونه‌هایی از تفسیر علمی ایشان، مانند تبیین نیروی جاذبه، حرکت زمین و خورشید، زوجیت در گیاهان و سخن گفتن حیوانات، میزان پایبندی عملی وی به مبانی نظری‌اش ارزیابی خواهد شد. در پایان، جمع‌بندی مقاله تصویری منسجم از روش تفسیر علمی آیت‌الله محسنی در بستر جریان تفسیری معاصر ارائه می‌دهد.

## ۲- زمینه مفهومی و ادبیات پژوهش

### ۲-۱- معرفی آیت‌الله محسنی و جایگاه تفسیری ایشان

آیت‌الله محمدآصف محسنی (۱۳۱۴-۱۳۹۸ ش)، از چهره‌های ممتاز علمی جهان اسلام، پس از تحصیل در حوزه علمیه نجف اشرف و شاگردی نزد بزرگانی چون آیت‌الله سید ابوالقاسم خوئی، رویکردی نظام‌مند در معارف اسلامی ارائه داد. گرچه شهرت اصلی ایشان به سبب تخصص عمیق در علم حدیث و رجال و تألیف آثار مرجعی چون «معجم الأحادیث المعتبرة» است (ویکی‌نور، ۲۰۲۵/۱۴۰۳)؛ اما همین پشتوانه حدیثی - رجالی، پایه و ستون اصلی روش تفسیری وی را تشکیل می‌دهد. تلاش برای اعتبارسنجی دقیق احادیث تفسیری و پرهیز از اتکا به روایات ضعیف، وجه تمایز تفسیرهای اوست؛ به‌گونه‌ای که می‌توان آثار تفسیری وی را در زمره مبتنی‌ترین تفسیرهای معاصر بر مبانی علم رجال دانست (ویکی‌شیعه، بی‌تا).

در کنار این بنیاد رجالی استوار، رویکرد نواندیشانه آیت‌الله محسنی که در آثاری چون «الفقه و مسائل طیبیه» و «توضیح المسائل سیاسی» با طرح مسائل مستحدثه فقهی تبلور یافته، در آثار تفسیری ایشان نیز به‌روشنی مشهود است. آثار متعدد تفسیری ایشان، از جمله «افق اعلی»، «افق مبین»، «قرآن یا سند اسلام»، «قوانین زندگانی انسان در قرآن» و «تفسیر سوره شمس»، همگی با دغدغه پاسخگویی به نیازهای فکری و اجتماعی عصر حاضر و با پایبندی به قواعد علمی فهم متن به نگارش درآمده‌اند (مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور، ۱۳۹۷). به‌ویژه کتاب «قوانین زندگانی انسان در قرآن»، نمایانگر تلاش ایشان برای تبیین کارآمدی قرآن برای جهان معاصر است؛ آنجا که در مقدمه، پرسش محوری خود را این‌گونه مطرح

می‌کند: «آیا در قرن بیست‌ویکم، رعایت و التزام به قوانین قرآن در زندگی دنیوی، حتی برای افرادی که به وجود قیامت ایمان ندارند، همچنان مفید و ضروری تلقی می‌شود یا خیر؟» (محسنی (ره)، ۱۳۹۲، ص ۱۸). این رویکرد عصری، در عمل نیز خود را نشان می‌دهد؛ برای نمونه، پس از نخستین سفر انسان به فضا و بروز نزاع علمی در کابل، آیت‌الله محسنی با ارائه تفسیر علمی و روزآمدی از سوره شمس، به تبیین دیدگاه قرآن درباره فضا و کهکشان‌ها پرداخت و به آن جنجال‌ها خاتمه داد (محسنی (ره)، ۱۳۹۴ الف، ص ۲۹).

در نتیجه، شخصیت علمی آیت‌الله محسنی بر دو پایه استوار است: تسلط بر مبانی سنتی حدیث و رجال و اهتمام جدی به پاسخگویی به پرسش‌های جهان معاصر. همین پیوند میان اصالت در روش‌شناسی سنتی و دغدغه‌مندی نسبت به مسائل روز است که مبانی و روش تفسیری وی را شکل داده است؛ روشی که تحلیل آن، به‌ویژه در حوزه تعامل با علوم تجربی، هدف اصلی این پژوهش به شمار می‌رود.

## ۲-۲- پیشینه پژوهش درباره آثار محسنی

پژوهش‌های انجام‌شده پیرامون منظومه فکری آیت‌الله محمدآصف محسنی (ره) به‌گونه‌ای غالب بر جایگاه محوری و روش‌شناسی ممتاز ایشان در علوم حدیث و رجال تمرکز یافته‌اند. در این راستا، تحلیل‌ها درباره آثاری چون «معجم الأحادیث المعتمدة» و «مشرعة بحار الانوار»، عمدتاً به دقت رجالی بی‌بدیل و احتیاط مثال‌زدنی ایشان در فرآیند اعتبارسنجی روایات پرداخته‌اند (خلیلی، ۱۳۹۶؛ حسینی حنیف و توسلی، ۱۳۹۷). مقاله «پژوهشی در مباحث نقد سندی آیت‌الله محسنی و اثرات آن» (خلیلی، ۱۳۹۶) نمونه بارزی از این رویکرد به شمار می‌رود که سخت‌گیری روش‌شناختی ایشان را در برخورد با سنت نقلی به نحو شایسته‌ای تبیین کرده است. با این حال، یک پرسش کلیدی در این پژوهش‌ها بی‌پاسخ مانده است: آیا این «احتیاط روش‌شناختی» که مشخصه اصلی کار ایشان در حوزه نقلی است، در مواجهه با داده‌های علوم تجربی نیز امتداد یافته و به یک الگوی منسجم تبدیل شده است؟ تحقیقاتی که به سایر ابعاد اندیشه ایشان پرداخته‌اند نیز، به دلیل تمرکز بر موضوعات دیگر، به این پرسش حیاتی نپرداخته‌اند. این آثار حوزه‌هایی چون کلام، فقه سیاسی

و فقه خانواده را پوشش می‌دهند. در زمینه کلام، مقالاتی نظیر «چیستی و گستره علم امامان (ع) از دیدگاه آیت‌الله محسنی» (حسینی، ۱۳۹۸) و «روش‌شناسی کلامی مرحوم آیت‌الله محسنی» (یوسفی، ۱۴۰۲) به بررسی دیدگاه‌های ایشان پرداخته‌اند. در تکمیل این مباحث، کتاب «اندیشه‌های کلامی، فقهی و سیاسی آیه‌الله محسنی» که توسط جواد غزنوی در سال ۱۳۸۷ تألیف شده است، منبعی مهم برای درک بنیان‌های فکری ایشان در حوزه‌های کلامی، فقهی و سیاسی محسوب می‌شود. در حوزه فقه سیاسی، مقاله «مشروعیت حکومت دینی در فقه سیاسی با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله محسنی» (اخلاقی، ۱۴۰۲) و در فقه خانواده، مقاله «خانواده در اندیشه فقهی و تربیتی آیت‌الله محسنی» (احسانی، ۱۴۰۳) به ابعاد مختلف اندیشه ایشان در این زمینه‌ها پرداخته‌اند.

در حوزه مطالعات تفسیری نیز، آثاری چون کتاب «نگاهی به مبانی و روش‌های تفسیری آیت‌الله محسنی» (سعیده محسنی (ره)، ۱۳۹۸) و مقاله «بررسی حجیت خبر واحد در تفسیر از منظر آیت‌الله محسنی» (رحمت‌الله حمیدی، ۱۴۰۰)، به ترتیب به کلیات و جنبه‌ای خاص از روش تفسیری ایشان پرداخته‌اند. با این حال، هیچ‌یک از منابع مذکور، بحث «تفسیر علمی» را به شکل تخصصی و نظام‌مند مورد واکاوی قرار نداده‌اند؛ امری که به‌وضوح خلأ پژوهشی عمیقی را در این زمینه نمایان می‌سازد.

بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف خاص تبیین مبانی و ارائه نمونه‌هایی از تفسیر علمی در آثار آیت‌الله محسنی طراحی شده است تا این شکاف معرفتی موجود را پر کند. این مقاله با تحلیل دقیق مباحث نظری و شواهد تفسیری ایشان، به بازسازی چارچوب روش‌مند وی می‌پردازد تا نشان دهد که آیا آن احتیاط و دقت مشهور در سنت نقلی، به یک الگوی منسجم و قابل‌اتکا در تعامل با علوم مدرن و تولید تفسیر علمی منجر شده است یا خیر؛ موضوعی که در تمامی پژوهش‌های پیشین مورد غفلت واقع شده است.

## ۲-۳- چارچوب مفهومی تفسیر علمی

به منظور تحلیل دقیق رویکرد تفسیری آیت‌الله محسنی (ره)، ضروری است ابتدا چارچوب مفهومی «تفسیر علمی» به روشنی تبیین گردد. نفیسی در کتاب جریان‌شناسی تفسیر علمی، تحلیلی روشمند از این اصطلاح ارائه می‌دهد که به عنوان مبنای این بحث اتخاذ می‌شود. او با تفکیک این ترکیب به مؤلفه‌های «تفسیر»، «علم» و «رابطه میان آن دو»، درکی بهتری از ماهیت آن ارائه می‌دهد (نفیسی، ۱۳۹۷، ص ۱۵). بر اساس این چارچوب، «تفسیر» اساساً به معنای «تبیین و بسط معنای آیات» است، به ویژه آیاتی که فهم اولیه آن‌ها با ابهام یا چالش همراه است. این فرآیند هم شامل «معنایابی» (درک مفهومی) و هم «مصادق‌یابی» (تطبیق بر نمونه‌های عینی) می‌شود (همان، ص ۱۵؛ به نقل از الذهبی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵؛ طباطبایی المیزان، بی‌تا، ج ۱، ص ۴؛ صدر المدرسه القرآنی، ۱۳۹۷، ص ۲۹۴ تا ۲۹۶).

مؤلفه کلیدی در این تعریف، واژه «علم» است که نفیسی مراد از آن را مشخصاً علوم تجربی (Empirical Sciences) مانند فیزیک، شیمی و زیست‌شناسی می‌داند (نفیسی، ۱۳۹۷، ص ۱۵ و ۱۶). این تحدید، «تفسیر علمی» را از سایر رویکردهای تفسیری که بر مبانی فلسفی، عرفانی یا دیگر حوزه‌های معرفتی استوارند، متمایز می‌سازد. نقطه اوج تحلیل نفیسی، تبیین رابطه میان علم و تفسیر است. او معتقد است علم تجربی دو کارکرد کاملاً متفاوت در فرآیند تفسیر ایفا می‌کند:

- کاربرد ابزاری (علم به مثابه منبع اطلاعات): در این رویکرد، مفسر از یافته‌های علمی به عنوان ابزاری برای روشن ساختن معنای آیات، به ویژه آیات مرتبط با طبیعت و کیهان (آیات هستی‌شناختی)، بهره می‌گیرد. هدف در اینجا، «استخراج مطالب علمی» یا «تطبیق» آن‌ها بر قرآن برای نشان دادن هماهنگی میان این دو و گاه اثبات اعجاز علمی است (همان، ص ۱۷؛ به نقل از خولی، ۱۳۴۰، ص ۲۷۸).

- حاکمیت پارادایمی (علم به مثابه جهان‌بینی حاکم): در این رویکرد عمیق‌تر، نه فقط یافته‌های علمی، بلکه «روش» و «جهان‌بینی» مبتنی بر اصالت حس و تجربه بر کل فرآیند تفسیر حاکم می‌شود. در این نگاه، مفسر می‌کوشد تمام

آموزه‌های قرآن، حتی امور فرامادی و غیبی (مانند معجزات) را در چارچوب قوانین طبیعت بازتفسیر، توجیه یا تأویل کند تا هرگونه تعارض ظاهری میان دین و علم برطرف گردد (همان، ص ۱۷؛ به نقل از زمانی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۵ و ۱۰۶).

این تحلیل، نفیسی را به یک تعریف جامع رهنمون می‌سازد:

تفسیر علمی، گونه‌ای از تفسیر قرآن است که در آن، علوم تجربی هم به‌عنوان منبعی برای تبیین اطلاعاتی آیات و هم به‌مثابه یک جهان‌بینی و روش‌شناسی حاکم بر فرآیند فهم متن مقدس به کار گرفته می‌شود (نفیسی، همان: ۱۹).

این چارچوب مفهومی، ابزار تحلیلی دقیقی برای بازخوانی و ارزیابی رویکرد تفسیری آیت‌الله محسنی (ره) فراهم می‌آورد.

### ۳- مبانی آیت‌الله محسنی (ره) در مواجهه با تفسیر علمی

مبانی تفسیری، چارچوب‌های معرفت‌شناختی و مبادی نظری‌اند که جهت‌گیری مفسر را در مواجهه با متن قرآن شکل می‌دهند و روش‌شناسی او را در فرآیند معناکاوی سامان می‌بخشند (میرمحمودی و مؤدب، ۱۳۹۴، ج ۴، ص ۲۰۱ و ۲۰۲). این مبانی در تفسیر علمی اهمیتی دوچندان دارند، زیرا مفسر در این حوزه ناگزیر است میان آموزه‌های دینی و دستاوردهای علوم تجربی پیوندی منطقی و سنجیده برقرار کند. از این‌رو، واکاوی مبانی فکری آیت‌الله محمدآصف محسنی در تفسیر علمی، شرط لازم برای تحلیل رویکرد تفسیری اوست. در این راستا، می‌توان ساختار معرفتی هر مفسر علمی را بر پایه پاسخ‌های او به شش پرسش بنیادی ارزیابی کرد:

(۱) آیا قرآن و علوم تجربی دارای قلمرو مشترک معرفتی هستند؟

(۲) در صورت وجود این قلمرو مشترک، آیا میان آموزه‌های قرآنی و یافته‌های علمی سازگاری وجود دارد؟

(۳) هدف قرآن از پرداختن به مباحث علمی چیست؟

(۴) زبان قرآن در این دسته از آیات، چه نسبتی با زبان علم دارد؟

(۵) آیا علم از صلاحیت معرفتی لازم برای مشارکت در تفسیر قرآن برخوردار است؟

۶) و درنهایت، آیا تفسیر علمی ضرورتی معرفت‌شناختی یا دینی دارد؟ این شش پرسش، مبنای سنجش هر رویکرد تفسیری در حوزه تفسیر علمی قرار می‌گیرد و چارچوب تحلیلی مناسبی برای تبیین دیدگاه‌های آیت‌الله محسنی فراهم می‌سازد (نفیسی، ۱۳۹۵، ش ۱، ص ۱۵۱).

پاسخ‌های آیت‌الله محسنی به این پرسش‌ها، رویکردی عقل‌گرا، منسجم و درعین‌حال محتاط را آشکار می‌سازد؛ رویکردی که ضمن پذیرش امکان بهره‌گیری از دانش‌های نوین در فهم آیات، با تأکید بر مرزهای روشی و معرفتی، از تحمیل پیش‌فرض‌های علمی بر متن وحی پرهیز می‌کند. در ادامه، این مبانی تحلیل خواهد شد.

### ۳-۱- امکان سنجی تفسیر علمی: پذیرش مشروط اشتراک قلمرو

نخستین و اساسی‌ترین مبنا در فرآیند تفسیر علمی، تبیین مسئله «اشتراک قلمرو معرفتی» میان قرآن و علوم تجربی است. پرداختن به این حوزه تفسیری تنها در صورتی موجه و معنادار خواهد بود که به وجود حوزه‌ای مشترک، هرچند حداقلی، میان این دو اذعان شود. در این زمینه، دو رویکرد کلی در میان قرآن‌پژوهان وجود دارد؛ رویکرد نخست، دیدگاه حداکثری است که با استناد به آیاتی نظیر «... وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ...» (نحل/۸۹) و «... مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ...» (انعام/۳۸)، بر این عقیده‌اند که قرآن کریم متضمن تمامی دانش‌ها، از جمله کلیه علوم تجربی است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲، ص ۲۴۸). آیت‌الله محسنی با اتخاذ رویکردی معتدل، این دیدگاه حداکثری را نقد می‌کند. او استدلال می‌نماید که مراد از «کتاب» در برخی آیات، لزوماً قرآن کریم نیست و می‌تواند به لوح محفوظ اشاره داشته باشد. حتی در آیاتی که صراحتاً ناظر به قرآن است، ایشان با ارائه تفسیری غایت‌محور، دامنه «كُلُّ شَيْءٍ» را به اموری محدود می‌داند که در راستای هدف اصلی قرآن، یعنی «هدایت» انسان به سوی کمال، قرار دارند (محسنی ره)، (۱۳۷۵، ص ۲۱۳ و ۲۱۴)؛ بنابراین، از منظر ایشان، قرآن یک دایره‌المعارف علمی نیست، اما دارای قلمرو مشترک «مشروط» و «هدفمند» با علوم تجربی است که تفسیر علمی را ممکن و معنادار می‌سازد.

این موضع‌گیری دقیق، سنگ‌بنای رویکرد محتاطانه محسنی را تشکیل می‌دهد. او به وجود آیات علمی در قرآن کریم اذعان دارد؛ - و حتی در جایی به نقل از احمد امین عراقی، تعداد این آیات را حدود ۷۵۰ آیه ذکر می‌کند (محسنی (ره)، ۱۴۳۶، ص ۳۳)؛ اما بلافاصله با تعیین یک «چارچوب هدایتی»، از افتادن در دام افراط و این تصور که قرآن کریم یک دایرةالمعارف علمی است، جلوگیری می‌کند. از دیدگاه او، قرآن کریم در دو سطح به طبیعت پرداخته است: آیاتی که به صورت کلی به تفکر در آفرینش دعوت می‌کنند و آیاتی که به صورت جزئی به توصیف پدیده‌ها می‌پردازند. هر دو دسته، در خدمت هدف اصلی قرآن، یعنی «هدایت»، قرار دارند و تنها در این چارچوب است که تفسیر علمی آن‌ها معنا و موضوعیت می‌یابد. بدین ترتیب، قلمرو مشترک از منظر ایشان، یک قلمرو «مشروط» و «هدفمند» است.

### ۳-۲- اصل سازگاری: عدم تعارض ذاتی میان قرآن و علم قطعی

آیت‌الله محسنی (ره)، همسو با اصل کلامی رایج که بر عدم تعارض «کتاب تکوین» و «کتاب تدوین» تأکید دارد (ر.ک: نصر، ۱۴۰۱، ش ۱، ص ۳۰۰؛ رشیدرضا، ۱۴۱۴، ق، ج ۲، ص ۶۴) به سازگاری بنیادین میان قرآن و علم باوری قاطع دارد. از دیدگاه او که مبتنی بر تخلف‌ناپذیری سنت‌های الهی و قانون علیت است (محسنی (ره)، ۱۳۸۴، ص ۱۹)، محال است میان «صنع» خداوند سبحان (طبیعت) و «کلام» او (قرآن کریم) تضادی وجود داشته باشد. ایشان با اطمینان کامل بیان می‌کند که هیچ‌یک از مطالب قرآن با «مسائل قطعی و علمی» روز ناسازگار نیست و هرگونه ادعای تعارض را ناشی از جهل یا غرض‌ورزی می‌داند (محسنی (ره)، ۱۴۳۶، ص ۱۴۱). کلیدواژه محدودکننده «قطعی و علمی» در بیان ایشان، مهم‌ترین سازوکار روش‌شناختی برای جلوگیری از تطبیق‌های شتاب‌زده و نشان‌دهنده رویکرد محتاطانه اوست.

این موضع قاطع، نشان‌دهنده یک مبنای کلامی و معرفت‌شناختی مستحکم در اندیشه ایشان است. با این حال، کلیدواژه اساسی و محدودکننده در این دیدگاه، «مسائل قطعی و علمی» است. تأکید مکرر بر این قید نشان می‌دهد که این سازگاری

از نظر ایشان، یک اصل مطلق و بی‌قیدوشرط نیست. همان‌طور که در مبنای پنجم به تفصیل خواهد آمد، آیت‌الله محسنی (ره) با ارائه تعریفی خاص و سخت‌گیرانه از «علم قطعی»، عملاً یک معیار مشخص برای حوزه این سازگاری وضع می‌کند و از تطبیق قرآن با نظریه‌ها، فرضیه‌ها و یافته‌های غیرقطعی علوم تجربی، به شدت پرهیز می‌نماید. این احتیاط روش‌شناختی، مانع از آن می‌شود که اصل کلی «سازگاری» به ابزاری برای تحمیل هر یافته علمی بر قرآن تبدیل شود.

### ۳-۳- غایت‌شناسی گزاره‌های علمی: هدایت‌محوری و رشد فکری

در پاسخ به پرسش از هدف قرآن کریم در طرح مباحث علمی، آیت‌الله محسنی (ره) دیدگاهی دولایه و هدمند ارائه می‌دهد که با موضوع غالب مفسران علمی همسوست. این مفسران عموماً قرآن کریم را ذاتاً کتاب هدایت می‌دانند، نه کتاب علوم تجربی و معتقدند اشارات علمی آن، کارکردی ابزاری و استطرادی برای اثبات اموری نظیر توحید، معاد و نبوت دارند (نفیسی، ۱۳۹۵، ص ۵۴ و ۵۵). آیت‌الله محسنی (ره) نیز دقیقاً در همین چارچوب حرکت می‌کند. هدف اصلی و اولیه از دیدگاه ایشان، «هدایت» است. وی تأکید می‌کند که هدف غایی قرآن کریم، رهنمون ساختن انسان به سوی حق و کمال است (محسنی (ره)، ۱۳۹۴، ب، ج ۱، ص ۳۵۲) و طرح مباحث مربوط به خلقت و کائنات نیز در خدمت همین هدف اصلی قرار دارد. ایشان می‌نویسد:

«قرآن کتابی است دینی که برای هدایت و ارشاد انسان نازل شده ... و ضمناً به راز آفرینش و خلقت کائنات، به‌ویژه خود انسان، توجه کرده و از آسمان‌ها، کواکب، نجوم، شمس و قمر سخن رانده و موضوعات متنوعی را با هدف ارشاد و راهنمایی انسان مورد بحث قرار داده است» (محسنی (ره)، ۱۴۳۶، ص ۱۳۹).

در کنار این هدف اصلی، آیت‌الله محسنی به یک هدف ثانویه و مهم یعنی «رشد و تعالی فکری و علمی مخاطبان» نیز معتقد است. از دیدگاه ایشان، آیات علمی علاوه بر کارکرد هدایتی، به‌طور مشخص بر رشد علمی جامعه نیز نظر داشته‌اند. او معتقد است آیاتی که بر فضیلت علم تأکید می‌کنند، شامل علوم تجربی نیز می‌شوند (محسنی (ره)، ۱۳۸۷، ب، ص ۱۲). به باور وی، همین تأکیدات قرآن و سنت نبوی

بود که زمینه‌ساز ظهور تمدن عظیم اسلامی گردید؛ تمدنی که پیشرفت‌های علمی آن امروز به‌نوبه خود به اثبات اعجاز علمی قرآن کریم یاری می‌رساند (محسنی (ره)، ۱۳۹۴ ب، ۳، ص ۳۳۷). ایشان در تفسیر آیه پنجم سوره علق می‌نویسد:

«همین آیات و سایر تأکیدات قرآن و سنت نبوی بر اهمیت تعلیم و تعلم... بود که توانست مردمی عقب‌مانده و غرق در جهل و فقر را... به حرکت وادارد و بزرگ‌ترین و درخشان‌ترین تمدن بشری را در تاریخ به منصف ظهور برساند» (محسنی (ره)، ۱۳۹۶، ج ۳، ص ۲۳۹).

درنهایت، ایشان یک هدف سوم را نیز برای این آیات برمی‌شمرد که اثبات اعجاز و منشأ الهی قرآن را در بر دارد و جنبه «اثباتی» و «کلامی» آن را نشان می‌دهد:

«قرآن با اینکه کتاب تخصصی... نیست...؛ اما در ضمن بیانات خود، به حقایق علمی و فلسفی متعددی نیز اشاره نموده که این اشارات، خود نمایانگر جنبه اعجاز و خدایی بودن این کتاب آسمانی است؛ زیرا عقل سلیم... صدور این معانی دقیق... را از زبان یک انسان امی... محال عادی می‌داند» (محسنی (ره)، بی‌تا: ص ۷۵).

این دیدگاه سه‌لایه (هدایتی، تمدن‌ساز، اعجازی)، نگاهی جامع و پویا به کارکرد آیات علمی قرآن کریم است. آیت‌الله محسنی با تأکید بر «هدایت‌محوری» به‌عنوان هدف غایی، از افتادن در دام «علم‌زدگی» (این تصور که هدف اصلی قرآن آموزش علم است) جلوگیری می‌کند. هم‌زمان، با برجسته کردن نقش «رشد فکری» و «تمدن‌سازی»، به قرآن کریم کارکردی فعال و پویا در تاریخ علم می‌بخشد و با اشاره به جنبه «اعجاز»، جایگاه کلامی این آیات را برای انسان معاصر تبیین می‌نماید.

### ۳-۴- زبان قرآن در گزاره‌های علمی: پایبندی به دلالت‌های لفظی

در پاسخ به این پرسش که «زبان قرآن در بیان پدیده‌های طبیعی چه نسبتی با زبان علم دارد؟»، می‌توان چنین برداشت کرد که آیت‌الله محسنی (ره)، هرچند به‌طور مستقل نظریه‌ای منسجم درباره زبان قرآن ارائه نکرده؛ اما از خلال نقدها و تأکیدهای پراکنده‌اش، می‌توان رویکردی مبتنی بر پایبندی به دلالت‌های ظاهری در چارچوب قواعد معتبر تفسیر را از او استنباط کرد. از نگاه وی، زبان قرآن کریم در گزارش پدیده‌های طبیعی، زبانی جدی و ناظر به واقع است، نه زبانی رمزی، نمادین یا صرفاً

تمثیلی. بر همین اساس، تفسیر این گونه آیات باید در محدوده معنای ابتدایی و متعارف واژگان و با التزام به ضوابط پذیرفته شده تفسیری انجام گیرد. وی با رویکردهایی که به منظور اثبات هم‌سویی قرآن با یافته‌های علمی جدید، به تأویل‌های بی‌قاعده و خروج از معنای لغوی واژگان قرآن متوسل می‌شوند، مخالفتی جدی دارد. او تصریح می‌کند:

«گروهی از این نویسندگان، آیات فراوانی از قرآن را به مسائل و یافته‌های علمی جدید (ساینس)... تفسیر کرده‌اند... اما متأسفانه در این مسیر، گاه از حدود دلالت الفاظ و معنای لغوی کلمات قرآنی خارج شده‌اند و حتی در برخی موارد، مطالبی را از آیات استنباط کرده‌اند که آیات قرآن هرگز به آن معانی توجه و دلالتی ندارد» (محسنی (ره)، ۱۴۳۶، ص ۳۱).

این موضع را می‌توان نوعی پایبندی ضابطه‌مند به دلالت‌های لفظی قرآن تلقی کرد؛ به این معنا که معنای ظاهری و عرفی آیات تا زمانی که قرینه‌ای معتبر و قطعی برخلاف آن وجود نداشته باشد، حجت و معتبر است. بر مبنای این دیدگاه، نمی‌توان به‌صرف انگیزه هماهنگی با علم روز، از معنای تحت‌اللفظی و متداول واژگان قرآن عدول کرد. از این منظر، زبان قرآن در حیطه آیات علمی، نه زبانی مبهم و انعطاف‌پذیر برای هر نوع تفسیر علمی، بلکه زبانی دقیق، منسجم و تابع قواعد خاص خویش است؛ قواعدی که مفسر باید با رعایت آن‌ها، از ورود به تفسیر به رأی یا تأویل بی‌ضابطه پرهیز کند. درواقع، این رویکرد نوعی مکانیسم بازدارنده در برابر افراط‌گرایی در تفسیر علمی قرآن فراهم می‌آورد و چارچوبی مشخص برای تمایز میان تفسیر علمی معتبر و تأویلات غیرموجه عرضه می‌دارد.

### ۳-۵- معرفت‌شناسی تفسیر علمی: تمایز میان یافته‌های قطعی و

#### استنتاجی

در پاسخ به پرسش پنجم، مبنی بر اینکه «آیا علم از صلاحیت معرفتی لازم برای مشارکت در تفسیر قرآن برخوردار است؟»، پاسخ آیت‌الله محسنی یک «آری» مشروط و بسیار دقیق است. صلاحیت علم برای او، مطلق نیست و به‌طور کامل به مرتبه معرفت‌شناختی «یافته علمی» بستگی دارد. ایشان با درکی عمیق از این تمایزات، حقایق علمی را به دو دسته اساسی تقسیم می‌کند:

«نوع اول، حقایق علمی است که یا از طریق مشاهده حسی مستقیم و بدون واسطه و یا از طریق ابزارها و آلات دقیق سمعی و بصری، به درجه‌ای از وضوح، شهود و بداهت رسیده است که دیگر جای هیچ‌گونه شک و تردیدی در صحت آن‌ها باقی نمی‌ماند؛

نوع دوم، حقایق علمی است که از طریق استنتاج و استدلال... به دست می‌آید، اما هنوز... به مرحله شهود و قطعیت کامل نرسیده است» (محسنی (ره)، ۱۳۹۴، ج، ح، ۱، ص ۲۹۶).

ایشان با قاطعیت اعلام می‌کند که تفسیر علمی و تأویل نصوص دینی، تنها و تنها با استناد به نوع اول جایز است و نمی‌توان «صرفاً به خاطر این‌گونه یافته‌های استنتاجی، نصوص قطعی و مسلم دینی را تأویل و توجیه نمود» (همان). این احتیاط از آنجا ناشی می‌شود که هدف از این کار، اغلب اثبات اعجاز قرآن به‌عنوان یک امر مقدس است و استدلال برای چنین هدفی با مقدمات غیرقطعی، منطقی و اخلاقاً نادرست است:

«استدلال کردن برای اثبات هر مقصود و مدعایی... با استناد به مقدمات مشکوک، ضعیف و یا باطل، از نظر عقل و منطق، کاری ناپسند، نادرست و غیرقابل قبول است... لذا نباید در این مسیر، جز به دلایل معتبر، قطعی و خدشه‌ناپذیر تمسک جست» (محسنی (ره)، ۱۴۳۶، ص ۳۱).

این تفکیک، سنگ‌بنای روش‌شناسی آیت‌الله محسنی است. این رویکرد، نشانگر یک مبانی معرفت‌شناختی مبتنی بر «یقین‌گرایی» در مقابل «احتمال‌گرایی» رایج در علم مدرن است.

### ۳-۶- ضرورت تفسیر علمی: نیازی معرفتی برای انسان معاصر

درنهایت، در پاسخ به پرسش ششم، مبنی بر اینکه «آیا تفسیر علمی ضرورتی معرفت‌شناختی یا دینی دارد؟»، دیدگاه آیت‌الله محسنی کاملاً مثبت است. او این نوع تفسیر را نه یک امر تفننی، بلکه یک «ضرورت انکارناپذیر» در شرایط کنونی می‌داند. استدلال ایشان برای این ضرورت، بر سه پایه استوار است:

**الف. فهم عمیق تر و دقیق تر متن:** ایشان معتقد است پیشرفت های علمی، ما را از «تأویل های پر پیچ و خم» که گذشتگان به دلیل محدودیت های دانش ناگزیر از آن بودند، بی نیاز کرده و به فهمی نزدیک تر به «دلالت های روشن لفظی» آیات رهنمون می شود. به برکت علم، بسیاری از حقایقی که در گذشته صرفاً تعبیدی بودند، امروز جنبه مبرهن و اثبات شده یافته اند (محسنی (ره)، ۱۳۹۴، ب، ج ۲، ص ۸۴).

**ب. پویایی و جاودانگی فهم قرآن:** آیت الله محسنی به یک «فهم پویا» از قرآن کریم باور دارد. از دیدگاه او، فهم قرآن کریم در یک مقطع تاریخی متوقف نمی شود و هر عصری با ابزارهای معرفتی خود، قادر به کشف لایه های جدیدی از معانی آن است:

«همان گونه که این پیشرفت و ترقی روزافزون علوم، افق های جدیدی را در برابر ما گشوده است، بدون شک آیندگان نیز با بهره مندی از دستاوردهای علمی بیشتر، قرآن را بهتر و عمیق تر از ما درک خواهند کرد و پیام های ژرف قرآن در اذهان آنها، به مراتب رساتر و تأثیرگذارتر از آنچه در ذهن ما نقش بسته است، تجلی خواهد یافت» (محسنی (ره)، ۱۴۳۶، ق، ص ۱۴۱).

**ج. آمادگی ذهنی برای فهم قرآن:** ایشان بر این باور است که آشنایی با علوم مختلف، ذهن و اندیشه انسان را برای درک عمیق تر مفاهیم قرآنی «آماده تر و مستعدتر» می سازد و به او امکان می دهد تا با تکیه بر ظواهر آیات، به مطالب ژرف تری دست یابد (محسنی (ره)، ۱۳۸۴، ص ۹۶).

این دیدگاه، نشانگر باور عمیق آیت الله محسنی به جاودانگی و پویایی متن قرآن کریم است. وی معتقد نیست که فهم گذشتگان، نقطه پایان تفسیر است؛ بلکه قرآن کریم کتابی برای همه اعصار است که در هر دوره ای، به زبان همان دوره و با استفاده از ابزارهای معرفتی آن، پیام خود را آشکار می سازد. این رویکرد، تفسیر علمی را از یک فعالیت حاشیه ای به یک ضرورت معرفتی و کلامی برای اثبات کارآمدی، غنا و جاودانگی قرآن در جهان معاصر تبدیل می کند.

#### ۴- تحلیل مصادیق تفسیر علمی در منظومه فکری آیت‌الله محسنی

پس از تبیین مبانی نظری، اینک نوبت به تحلیل کاربرست عملی این مبانی در منظومه تفسیری آیت‌الله محسنی می‌رسد. ایشان در گستره وسیعی از آثار خود، با پایبندی به مبانی پیش‌گفته، به تبیین آیاتی که حاوی اشارات علمی هستند، پرداخته است. روش ایشان مبتنی بر کشف ارتباط منطقی میان آیات و اکتشافات قطعی علوم تجربی و پرهیز از تحمیل نظریات اثبات‌نشده بر قرآن است. هدف این بخش، ارزیابی این رویکرد از طریق واکاوی نمونه‌های شاخص است. مصادیق در آثار ایشان متعدد است، از جمله: قوه جاذبه عمومی (محسنی (ره)، ۱۳۹۶، ج ۱، ج ۲۲۶)، حرکت زمین (همو، ۱۳۹۶، ج ۳، ص ۳۰۲)، حرکت خورشید (همو، ۱۴۳۶، ص ۲۳)، زوجیت گیاهان (همو، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۲۱۸)، سخن‌گفتن حیوانات (همو، ۱۴۳۶، ص ۴۱)، علم حیوانات، راز خلقت، تبخیر آب، فلسفه کوه‌ها، تسخیر طبیعت، شق القمر، تسبیح کائنات، الهام به زنبور عسل و فقدان علم هنگام تولد.

نظر به محدودیت‌های این نوشتار، در ادامه به تحلیل پنج مورد نخست، یعنی «نیروی جاذبه عمومی»، «حرکت زمین»، «حرکت خورشید»، «زوجیت در گیاهان» و «سخن‌گفتن حیوانات»، پرداخته خواهد شد تا میزان پایبندی عملی ایشان به مبانی نظری‌شان ارزیابی گردد.

#### ۴-۱- نیروی جاذبه عمومی: ستون‌های نامرئی آسمان

یکی از مصادیق برجسته و قابل تأمل در حوزه اعجاز علمی قرآن کریم، اشاره به نیروی جاذبه در آیاتی نظیر «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا» (رعد: ۲) و آیه مشابه در سوره لقمان (آیه ۱۰) است. در تفسیر عبارت کلیدی «بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا»، دو وجه تفسیری عمده میان مفسران و قرآن‌پژوهان مطرح شده است:

➤ الف. آسمان‌ها اساساً فاقد هرگونه ستون (اعم از مرئی و نامرئی) هستند و

برپایی آن‌ها صرفاً به قدرت الهی استوار است (مغنیه، ۱۴۲۴، ق، ج ۴، ص ۳۷۳).

➤ ب. آسمان‌ها دارای ستون‌هایی هستند که با چشم دیده نمی‌شوند؛

به عبارت دیگر، ستون‌ها وجود دارند؛ اما نامرئی هستند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج

آیت‌الله محسنی (ره) در آثار متعدد خود (محسنی (ره)، ۱۴۳۶ ق، ص ۲۳؛ همو، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۲۲۶؛ همو، ۱۳۸۴، ص ۲۹؛ همو، ۱۳۸۷ الف، ص ۲۳۸؛ همو، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۵۶؛ همو، ۱۴۲۸، ج ۱، ق ۹۸)، با قاطعیت وجه دوم را برگزیده و آن را مصداقی شگفت‌انگیز از انطباق قرآن با قانون جاذبه عمومی نیوتن می‌داند. ایشان در این خصوص می‌نویسد:

«خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا...»؛ یعنی خداوندی که آسمان‌ها را برافراشت، بدون آنکه شما ستون‌هایی را برای آن‌ها مشاهده کنید. (رعد: ۲) این آیه مبارکه به‌وضوح بیان می‌دارد که برافراشتگی آسمان‌ها به‌واسطه ستون‌هایی غیرقابل مشاهده و نامرئی صورت پذیرفته است و این ستون‌های نامرئی، چیزی جز همان قانون جاذبه عمومی نیست. این آیه شریفه با قانون جاذبه عمومی که قرن‌ها بعد، توسط اسحاق نیوتن در قرن یازدهم هجری (هفدهم میلادی) کشف گردید، انطباق و هماهنگی شگفت‌انگیزی دارد» (محسنی (ره)، ۱۴۳۶، ص ۲۳).

ایشان بر این باور است که این بیان قرآنی، حقیقتی علمی را در زمانی آشکار ساخت که نظریه هیئت بطلمیوسی بر محافل علمی جهان حاکم بود. طبق آن نظریه، آسمان‌ها به‌صورت کراتی تودرتو و شبیه به پوسته‌های پیاز (افلاک پوست‌پیزی) تصور می‌شد که هر یک بر دیگری متکی بود و تصور اجرامی معلق در فضا وجود نداشت. علم جدید، حدود یک هزار سال پس از نزول قرآن، این نظریه را ابطال نمود و نشان داد که ثبات و پایداری اجرام آسمانی در مدارهای خود، حاصل تعادل دقیق میان «نیروی جاذبه» و «نیروی دافعه» (ناشی از حرکت دورانی) است. این توازن میان دو نیرو، عملاً به‌مثابه ستون‌هایی نامرئی و قدرتمند عمل می‌کند که کرات را در پهنا کیهان حفظ می‌نماید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۱۱۱).

این تفسیر، نمونه بارزی از پایبندی آیت‌الله محسنی (ره) به مبنای «سازگاری علم و دین» (اصل دوم) و «ضرورت تفسیر علمی» (اصل ششم) در منظومه فکری ایشان است. وی با بهره‌گیری از یک حقیقت علمی قطعی، در پی آشکارسازی لایه‌ای عمیق‌تر از معنای آیه برای انسان معاصر است. باین‌حال، تحلیل دقیق‌تر این رویکرد با دو ملاحظه روبروست:

۱. چالش استعاره و اصالت ظهور: تفسیر «جاذبه» به «ستون»، تفسیری استعاری است که می‌تواند با مبنای چهارم ایشان، یعنی «اصالت ظهور الفاظ»، در چالش باشد. البته آیت‌الله محسنی (ره) با تکیه بر قید «تَرَوْنَهَا» (که آن را می‌بینید)، وجود ستون را از آیه مفروض می‌گیرد و تنها رؤیت‌پذیری آن را نفی می‌کند و از این طریق، انسجام منطقی استدلال خود را حفظ می‌کند.

۲. غایت اعجاز در برابر غایت هدایت: تمرکز اصلی بیان ایشان بر اثبات «اعجاز علمی» قرآن است، درحالی‌که طبق مبنای سوم (هدایت‌محوری)، انتظار می‌رود تبیین شود که این نظم شگفت‌انگیز مبتنی بر جاذبه، چگونه به درک عمیق‌تر توحید، تدبیر و قدرت خداوند و نهایتاً به هدایت انسان منجر می‌شود. این جنبه هدایتی، اگرچه به‌صورت ضمنی در تحلیل ایشان وجود دارد، اما برای تحقق کامل هدف غایی تفسیر، نیازمند تصریح و بسط بیشتری است.

#### ۴-۲- حرکت زمین: غلبه تحلیل درون‌متنی بر دیدگاه مشهور

یکی از مباحث علمی که در قرآن کریم به شیوه‌ای موجز و پرمعنا بدان اشاره شده، مسئله حرکت کره زمین است. آیه ۸۸ سوره نمل، همواره کانون این بحث و بررسی بوده است:

«وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ»؛ و کوه‌ها را می‌بینی، (و چنین) می‌پنداری که آن‌ها ثابت و بی‌حرکت هستند؛ درحالی‌که آن‌ها (در حقیقت) همانند ابرها در حال گذر و حرکت می‌باشند. این، آفرینش خداوندی است که هر چیزی را به بهترین و استوارترین شکل آفریده است. به‌یقین، او به آنچه شما انجام می‌دهید، کاملاً آگاه است» (نمل: ۸۸).

در مواجهه با این آیه، دو دیدگاه تفسیری شکل گرفته است. بسیاری از مفسران، با عنایت به سیاق آیات قبل و بعد که به وقایع نفخ صور اشاره دارند، معتقدند که این آیه صرفاً ناظر به حوادث و تحولات عظیم در آستانه قیامت است که طی آن، کوه‌ها از جای خود کنده شده و به حرکت درمی‌آیند (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۱۵، ص ۴۰۱؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹، ق، ج ۱۷، ص ۲۴۹؛ مغنیه، ۱۴۲۴، ق: ۶: ۴۳). در مقابل، گروهی

دیگر از قرآن پژوهان بر این باورند که قرائن و شواهد متعددی در خود متن آیه وجود دارد که آن را به نشانه‌های توحیدی در همین جهان کنونی مرتبط ساخته و به‌طور مشخص به «حرکت کره زمین» اشاره دارد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ الف، ج ۱۵، ص ۲۴۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۵۶۸).

آیت‌الله محسنی (ره) با قاطعیت دیدگاه دوم را تأیید کرده و معتقد است این آیه به‌روشنی به حرکت وضعی (به دور خود)، حرکت انتقالی (به دور خورشید) و حتی حرکت تبعی زمینی (حرکت همراه با منظومه شمسی در کهکشان) اشاره دارد (محسنی (ره)، ۱۳۹۶، ج ۳، ص ۳۰۲ و ۳۰۳). ایشان در پاسخ به دیدگاه نخست، استدلال می‌کند که اختصاص آیه به قیامت، فاقد شاهد درون‌متنی است:

«ممکن است برخی چنین تصور کنند که آیه مبارکه فوق... صرفاً مربوط به اوضاع و احوال روز قیامت است... اما این تصور، اشتباه و نادرست است؛ زیرا در خود آیه مبارکه، هیچ شاهد و قرینه‌ای دال بر اختصاص آن به قیامت وجود ندارد؛ بلکه برعکس، دلایل و شواهد متعددی وجود دارد که ثابت می‌کند حرکت کوه‌ها... مربوط به همین دنیای کنونی ما نیز می‌باشد» (محسنی (ره)، ۱۴۳۶ ق، ص ۱۸).

ایشان برای اثبات این مدعا به سه دلیل زبان‌شناختی و مفهومی از درون خود آیه استناد می‌کند:

**الف. پندار خلاف واقع:** تعبیر «تَحْسَبُهَا جَامِدَةً» (آن را ساکن می‌پنداری) به یک خطای حسی و پندار ظاهری اشاره دارد. این پندار، دقیقاً با وضعیت کنونی ما در زمین سازگار است که حرکت آن را حس نمی‌کنیم؛ اما در قیامت، جایی برای چنین «پنداری» وجود ندارد، زیرا حوادث آن چنان آشکار و محسوس است که همگان متلاشی شدن کوه‌ها را به چشم می‌بینند، نه آنکه آن‌ها را ساکن بپندارند. قرآن خود تصریح می‌کند که در آن روز «وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا فَكَانَتْ هَبَاءً مُّبْتَثًّا؛ و کوه‌ها در هم کوبیده و به غبار پراکنده تبدیل می‌شوند» (واقع: ۵ و ۶).

**ب. مفهوم «اتقان» در آفرینش:** عبارت «صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ؛ آفرینش خداوندی است که هر چیزی را استوار و متقن آفریده است»، حرکت کوه‌ها را به‌عنوان یک «صُنْعٌ مُّتَقَنٌ» معرفی می‌کند. واژه «اتقان» به معنای استواری، نظم

و کمال بخشی است و با نظام پایدار و حکیمانه کنونی جهان تناسب دارد، نه با فروپاشی و درهم‌ریختگی نظام عالم در قیامت.

**ج. دلالت زمان فعل:** بخش پایانی آیه، «**إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ**» (او به آنچه انجام می‌دهید آگاه است)، از فعل مضارع «**تَفْعَلُونَ**» استفاده می‌کند که بر استمرار و زمان حال دلالت دارد. این فعل، آگاهی خداوند از اعمال جاری انسان‌ها در همین دنیا را بیان می‌کند. اگر آیه ناظر به روز حساب و اعمال گذشته بود، انتظار می‌رفت از فعل ماضی مانند «**بِمَا فَعَلْتُمْ**» (به آنچه انجام دادید) استفاده می‌شد (محسنی (ره)، ۱۴۳۶ ق، ص ۱۸ تا ۲۰).

این استدلال، قدرت روش‌شناختی آیت‌الله محسنی در پایبندی به مبنای چهارم خود (تحلیل زبان‌شناختی و اصالت ظهور) را به نمایش می‌گذارد. او به‌جای پذیرش دیدگاه مشهور که مبتنی بر قرینه بیرونی «سیاق» است، با تحلیل دقیق واژگان و ساختار نحوی خود آیه، استدلال می‌کند که دلالت‌های صریح درون‌متنی بر قرائن سیاقی ارجحیت دارند. این روش، نمونه‌ای موفق از استخراج یک مفهوم علمی بدون تحمیل آن بر متن و با تکیه بر ظرفیت‌های ذاتی خود قرآن است.

#### ۴-۳- حرکت خورشید: شناوری در قرارگاهی معین

قرآن کریم در آیات متعددی به نظم کیهانی و حرکت اجرام آسمانی اشاره می‌کند. یکی از برجسته‌ترین این آیات که کانون مباحث تفسیری و علمی بوده، آیه ۳۸ سوره یس است:

«**وَ الشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ**؛ و خورشید (نیز پیوسته) به‌سوی قرارگاه ویژه خود در حرکت است. این، تقدیر و اندازه‌گیری خداوند توانای داناست» (یس: ۳۸).

برای قرون متمادی، این آیه در چارچوب هیئت بطلمیوسی تفسیر می‌شد که زمین را مرکز عالم و خورشید را در حال گردش به دور آن می‌پنداشت. پس از انقلاب کوپرنیکی و تثبیت نظریه خورشیدمرکزی توسط دانشمندانی چون گالیله و کپلر، تصور بر این بود که خورشید مرکزی ثابت و مطلق است؛ اما پیشرفت‌های بعدی در علم اخترشناسی آشکار ساخت که این تصور نیز دقیق نیست و خورشید خود دارای

یک حرکت انتقالی مستقل در فضای کهکشان راه شیری است؛ بنابراین، خورشید ضمن حفظ مرکزیت خود نسبت به سیارات منظومه شمسی، خود نیز به همراه کل این منظومه به سوی مقصدی معین در حال حرکت است (محسنی (ره)، ۱۴۳۶ ق، ص ۲۳ و ۲۴). در این زمینه، حضرت آیت‌الله محسنی با تکیه بر همین یافته علمی و تحلیل دقیق واژگانی، آیه مذکور را نمونه‌ای بارز از اعجاز علمی قرآن کریم دانسته و در تبیین آن می‌نویسد:

«مراد از حرکت خورشید [در این آیه]، همان حرکت انتقالی واقعی آن است، نه حرکت ظاهری و محسوس روزانه آن [که ناشی از چرخش زمین است]. دلیل این مدعا، عبارت «لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا» است. واژه «مُسْتَقَرٍّ» از منظر صرفی و لغوی می‌تواند معانی متعددی داشته باشد، از جمله: اسم مفعول (استقرار یافته)، اسم مکان (محل استقرار)، اسم زمان (زمان استقرار) و مصدر میمی (نفس استقرار). گرچه این واژه از نظر ساختار صرفی می‌تواند یکی از این چهار حالت را بپذیرد، اما در سیاق آیه شریفه، انصراف معنایی آن به «اسم مکان» (محل استقرار) بسیار روشن است؛ بنابراین، معنای آیه چنین خواهد بود: خورشید در جریان و حرکت است به سوی قرارگاه و محل استقراری که برای آن تعیین شده است... لذا، برای درک صحیح معنای آیه، باید حرکت انتقالی خورشید [در کهکشان] مد نظر قرار گیرد. بر این اساس، نگارنده این آیه را از جمله معجزات علمی قرآن کریم به حساب می‌آورد» (محسنی (ره)، ۱۴۳۶ ق، ص ۲۶).

این مصداق نیز، همچون نمونه پیشین، پابندی دقیق آیت‌الله محسنی (ره) به مبنای چهارم خود (تحلیل زبان شناختی و اصالت ظهور) را آشکار می‌سازد. ایشان صرفاً یک یافته علمی جدید را بر آیه تحمیل نمی‌کند، بلکه با یک تحلیل لغوی دقیق نشان می‌دهد که چگونه ساختار خود آیه، به‌ویژه با وجود حرف «لام» بر سر واژه «مستقر» و انصراف معنایی آن به «اسم مکان»، معنایی را ایجاب می‌کند که تنها با کشف حرکت انتقالی خورشید قابل فهم است. این روش‌شناسی، تفسیر او را از اتهام «تفسیر به رأی» و «تطبیق‌گرایی» مصون داشته و نمونه‌ای از تعامل روشمند و نظام‌مند میان متن مقدس و علم قطعی محسوب می‌شود.

#### ۴-۴ زوجیت در گیاهان: تعمیم قانون از مصداق به مفهوم

یکی از شگفت‌انگیزترین قوانین حاکم بر نظام آفرینش، اصل فراگیر زوجیت (Pairing) است که قرآن کریم در آیات متعدد و با تعبیر مختلف، آن را به‌عنوان یکی از نشانه‌های برجسته قدرت و تدبیر الهی معرفی نموده است. این اشارات قرآنی را می‌توان در چند لایه مفهومی دسته‌بندی کرد:

- زوجیت در گیاهان و میوه‌ها: «وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلْنَا فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ» (رعد: ۳؛ همچنین نک: طه: ۵۳)

- زوجیت در حیوانات: «قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ» (هود: ۴۰)

- زوجیت در موجوداتی فراتر از دانش بشر آن روز: «سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ» (یس: ۳۶)

- زوجیت به‌مثابه یک قانون کلی در همه اشیاء: «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (ذاریات: ۴۹)

تا پیش از دوران مدرن، تصور عمومی از زوجیت محدود به انسان، حیوانات و مصادیق محدودی از گیاهان مانند درخت خرما بود. نقطه عطف علمی در این زمینه، در قرن هجدهم میلادی و با پژوهش‌های گیاه‌شناس سوئدی، کارل لینه (Carl Linnaeus)، رخ داد. او برای اولین بار به‌صورت علمی ثابت کرد که گیاهان نیز دارای اجزای نر و ماده هستند و تولیدمثل در آن‌ها مبتنی بر آمیزش این اجزاست. با پیشرفت علم، این قانون تعمیم بیشتری یافت و مشخص شد که ماده در سطح اتمی نیز از زوج‌های ذره‌ای مانند الکترون (با بار منفی) و پروتون (با بار مثبت) تشکیل شده و حتی این اصل تا سطح ذرات بنیادی‌تر نیز تسری دارد (اصفهانی و فراهی بخشایش، ۱۳۹۳، ش ۱۶، ص ۱۳۵).

مفسرانی همچون طبرسی (۱۴۰۸ ق، ج ۸، ص ۶۶۳)، علامه طباطبایی (۱۳۵۲، ج ۱۷، ص ۸۷) و آیت‌الله مکارم شیرازی (۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۳۸۷)، با استناد به عمومیت آیات، اصل زوجیت را یک قاعده فراگیر در کل نظام آفرینش دانسته‌اند. آیت‌الله محسنی نیز در آثار مختلف خود به تفصیل به این موضوع پرداخته (محسنی

(ره)، ۱۳۹۴ ب: ج ۲، ص ۲۱۸؛ ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۲۲۷) و آن را از جنبه‌های اعجاز علمی قرآن برمی‌شمرد. او با هوشمندی میان «دانش عمومی و جزئی» و «قانون علمی و کلی» تمایز قائل می‌شود و اعجاز قرآن را نه در اشاره به مصداقی شناخته‌شده، بلکه در بیان آن به‌مثابه یک اصل فراگیر می‌بیند:

«در قرن ۱۸ میلادی یک دانشمند گیاه‌شناس غربی متوجه به زوجیت و جفت بودن گیاهان شد که امروز یک قانون شده... بنابراین آیه فوق یک معجزه علمی قرآن مجید است. بله بعضی از مصداق این قانون حتی برای عرب‌های آن زمان... ظاهر بود و در درخت خرما عملی می‌کردند. گرد درخت نر را بر درخت ماده می‌پاشیدند تا ثمر دهد؛ ولی قرآن آن را به‌عنوان یک قانون کلی بیان کرده و لینه گیاه‌شناس، آن را به‌طور علمی اثبات کرد» (محسنی (ره)، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۲۲۷ و ۲۲۸).

این نمونه، رویکرد روش‌شناختی آیت‌الله محسنی (ره) را در مواجهه با آیاتی که ظاهراً به امری بدیهی اشاره دارند، به‌خوبی نشان می‌دهد. او اعجاز را نه در ذکر مصداق شناخته‌شده‌ای چون لقاح نخل، بلکه در «تعمیم» و «قانون‌مند» دانستن این پدیده می‌بیند؛ امری که کلیت و گستره آن، از گیاهان تا ذرات بنیادی، قرن‌ها بعد توسط علم کشف شد. این تحلیل با مبنای اول (وجود قلمرو مشترک میان علم و دین) و دوم (سازگاری) کاملاً همسوست و نشان می‌دهد که چگونه قرآن با بیانی ساده و قابل فهم برای مخاطب اولیه، به قانونی عمیق و فراگیر در تاروپود نظام آفرینش اشاره کرده است که در آیه «وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ» (و از آنچه نمی‌دانند) به‌روشنی به ابعاد ناشناخته آن در آن زمان تصریح می‌کند.

#### ۴-۵- سخن گفتن حیوانات: احتیاط در مرز میان علم و اعجاز

قرآن کریم با نگاهی عمیق، به ابعاد گوناگون حیات حیوانات اشاره کرده و آن‌ها را موجوداتی دارای سازمان اجتماعی («أُمَّمٌ أُمَّثَلُكُمْ»؛ انعام: ۳۸)، تسبیح و عبادت («وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبُحُ بِحَمْدِهِ»؛ اسراء: ۴۴) و حتی دارای تکلیف و مسئولیت معرفی می‌کند. اوج این نگاه در داستان سخن گفتن هدهد و مورچه با حضرت سلیمان (نمل: ۱۸ تا ۲۸) تجلی می‌یابد. هم‌زمان، علم جدید نیز به کشف سیستم‌های ارتباطی پیچیده در میان حیوانات نائل آمده است؛ برای نمونه، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که برخی گونه‌های پرندگان دارای «لهجه‌های محلی»

هستند و به لهجه‌های بومی خود واکنش سریع‌تری نشان می‌دهند (نصیری و نقدی، ۱۳۸۹، ش ۶، ص ۶۳).

در این میان، آیه «قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ؛ گفتند: خدایی که همه موجودات را به سخن آورد، ما را نیز گویا ساخت» (فصلت: ۲۱). به‌صراحت اصل «نطق» را به تمام موجودات تعمیم می‌دهد.

آیت‌الله محسنی در مواجهه با این مسئله پیچیده، رویکردی دوجبهی و دقیق اتخاذ می‌کند. از یک سو، او یافته‌های علمی روز را تأییدی بر اصل کلی مطرح شده در قرآن می‌داند و می‌نویسد:

«در داستان حضرت سلیمان، از هوش و سخن‌گویی پرنده‌ای به‌نام هدهد و نیز مورچه سخن به میان آمده است که تحقیقات علمی روز، اعجاز علمی این آیات را اثبات می‌کند» (محسنی (ره)، ۱۴۳۶، ص ۲۰۵).

اما از سوی دیگر، با آگاهی کامل از عمق مسئله و تفاوت بنیادین میان «سیستم‌های ارتباطی حیوانی» و «زبان مفهومی و استدلالی» که قرآن به هدهد نسبت می‌دهد (شامل گزارش دقیق سیاسی، دینی و توحیدی)، با احتیاطی عالمانه از هرگونه تطبیق شتابزده پرهیز می‌کند. ایشان در تفسیر آیه نطق همگانی موجودات می‌نویسد:

«در این آیه یادی از نطق تمام موجودات شده است... ما برای تفسیر و تحلیل این موضوع عالی، مهم و غامض که از روی یکی از نوامیس بزرگ طبیعت پرده برمی‌دارد، عجله‌ای نداریم. می‌گذاریم تا فلسفه و علم آینده بشری آن را کاملاً یا نسبتاً معرفی کنند... ما امروز به حقایقی رسیده‌ایم که از خیال و تصور گذشتگان ما بیرون بود و حتماً آیندگان ما به چیزهایی می‌رسند که امروز در ذهن ما خطور نمی‌کند. پس نباید این مطلب مهم را به یک سطح پایین تنزل داده و مانند بعضی از ظاهرینان، نطق اشیاء را به زبان حال آن‌ها تفسیر نمود. برای نگارنده از نظر فلسفه و عرفان، مقداری میسور است که این موضوع را تشریح کند، ولی چون بعضی از اصول آن به‌درجه قطعیت نرسیده، از بحث آن خودداری می‌کند؛ و این آیندگان می‌باشند که افتخار تفسیر این آیات مقدسه و مانند آن‌ها را به‌واسطه نیروی علمی تازه خواهند یافت» (محسنی (ره)، ۱۴۳۶، ق، ص ۴۱).

ایشان در تحلیل داستان هدهد می افزاید که قرآن قدرت تفکر، شناخت و سخن گویی دقیقی را برای این پرنده به رسمیت می شناسد که تا مدتی پیش محال عادی تلقی می شد؛ اما کاوش های علمی به تدریج در حال پرده برداری از این اسرار است و دانش بشری در آینده به درک عمیق تری از این رازهای طبیعی خواهد رسید (همان، ص ۳۶ و ۳۷).

این مصداق، جنبه «محتاطانه» رویکرد آیت الله محسنی و پایبندی دقیق او به مبنای پنجم (شرط قطعیت علم) را به بهترین شکل به تصویر می کشد. او ضمن بهره گیری از یافته های علمی روز برای تأیید اصل کلی شعور و ارتباط در حیوانات، از تطبیق تقلیل گرایانه و یکسان پنداری آن با نطق پیچیده و مفهومی هدهد اجتناب می کند. ایشان این پدیده را در مرزی حساس میان یک «حقیقت طبیعی قابل کشف در آینده» و یک «معجزه خاص» مرتبط با مقام حضرت سلیمان (ع) قرار می دهد. این رویکرد، هم راه را برای تحقیقات علمی آینده باز می گذارد و هم شأن اعجاز آمیز و رمز آلود متن (همان، ص ۳۸) را حفظ می کند. این موضع گیری محتاطانه، نشان دهنده درک عمیق ایشان از پیچیدگی های موضوع و لزوم پرهیز از ادعاهای جزمی و شتاب زده در حوزه تفسیر علمی است.

### نتیجه گیری

این پژوهش با هدف بازخوانی و تبیین نظام مند مبانی و روش تفسیر علمی در اندیشه آیت الله محمد آصف محسنی (ره) به انجام رسید. نتایج تحقیق نشان داد که رویکرد ایشان نه مجموعه ای از دیدگاه های پراکنده، بلکه یک چارچوب منسجم و روشمند است که بر اصولی دقیق و معرفت شناختی استوار است. آیت الله محسنی (ره)، با پشتوانه عمیق خود در علوم حدیث و رجال، مدلی از تفسیر علمی را ارائه می دهد که می توان آن را «عقل گرایی محتاطانه» نامید؛ رویکردی که در میانه دو جریان افراطی «علم زدگی و تطبیق گرایی شتاب زده» و «انکار مطلق ظرفیت های معرفتی علم» قرار می گیرد.

یافته های کلیدی این پژوهش را می توان در چند محور اصلی خلاصه کرد:

**مبنای غایت‌محور:** از دیدگاه آیت‌الله محسنی (ره)، هدف قرآن کریم از طرح گزاره‌های علمی، آموزش علوم تجربی نیست؛ بلکه این اشارات در خدمت هدف اصلی دین، یعنی «هدایت» و تعمیق باور به توحید و قدرت الهی قرار دارند. این نگاه، مانع از آن می‌شود که قرآن به یک دایرةالمعارف علمی تقلیل یابد.

**اصل سازگاری مشروط:** ایشان به سازگاری ذاتی میان «کتاب تکوین» (طبیعت) و «کتاب تدوین» (قرآن) باوری قاطع دارد؛ اما این سازگاری را به یافته‌های قطعی و مسلم علم محدود می‌کند. این قید، مهم‌ترین سازوکار بازدارنده در روش ایشان برای جلوگیری از تحمیل فرضیه‌ها و نظریه‌های ناپایدار علمی بر متن مقدس است.

**پایبندی به اصالت متن:** تحلیل مصادیق نشان داد که آیت‌الله محسنی در استناد به یافته‌های علمی، همواره از ظرفیت‌های درونی متن قرآن، شامل دلالت‌های لغوی، ساختار نحوی و قراین درون‌متنی، بهره می‌گیرد و از تأویل‌های بی‌ضابطه و خروج از معنای ظاهری کلمات به شدت پرهیز می‌کند. این روش، تفسیر او را از اتهام «تفسیر به رأی» مصون می‌دارد.

**احتیاط روش‌شناختی:** بارزترین ویژگی منظومه فکری ایشان، احتیاط عالمانه در مرز میان علم و اعجاز است. همان‌گونه که در تحلیل داستان هدهد و نطق حیوانات مشاهده شد، وی ضمن استقبال از یافته‌های علمی، از تطبیق کامل و تقلیل‌گرایانه آن با مفاهیم پیچیده و چندوجهی قرآنی خودداری می‌کند و راه را برای اکتشافات آینده و همچنین حفظ جنبه رازآلود و اعجاز‌آمیز متن باز می‌گذارد.

درنهایت، این پژوهش نتیجه می‌گیرد که آیت‌الله محمدآصف محسنی نه صرفاً یک نقل‌کننده تفاسیر علمی، بلکه یک صاحب‌نظر و روش‌شناس در این حوزه است. اهمیت کار او در ارائه مدلی است که هم به سنت و اصالت متن وفادار است و هم از دستاوردهای عقلانی بشر برای درک پویای وحی استقبال می‌کند. این رویکرد متعادل که بر تفکیک دقیق میان «علم قطعی» و «نظریه علمی» بنا شده، می‌تواند به‌عنوان یک الگوی کارآمد و قابل‌انکاس برای قرآن‌پژوهان و متفکران دینی در مواجهه با چالش‌ها و فرصت‌های جهان معاصر مورد توجه قرار گیرد. برای تحقیقات آتی، پیشنهاد می‌شود که یک مطالعه تطبیقی میان روش‌شناسی آیت‌الله محسنی و دیگر

مفسران علمی برجسته همچون طنطاوی، علامه طباطبایی و دکتر رضایی اصفهانی صورت گیرد تا وجوه تمایز و اشتراک اندیشه ایشان با دقت بیشتری روشن شود.

## منابع

۱. احسانی، محمد، (۱۴۰۳). خانواده در اندیشه فقهی و تربیتی آیت‌الله محسنی (ره). فصلنامه خانواده در آئینه فقه، ۱۱، ۱۱۵-۱۴۴.
۲. اخلاقی، محمدعلی، (۱۴۰۲). مشروعیت حکومت دینی در فقه سیاسی با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله محسنی (ره). دانش حقوقی، ۱، ۱۶۷-۱۸۹.
۳. حسینی حنیف، سید احمد؛ توسلی، علی، (۱۳۹۷). شیوه صحیح اعتبارسنجی روایات بحارالأنوار از دیدگاه آیت‌الله محمدآصف محسنی در مشرعة بحارالأنوار. حدیث حوزه، ۱۶، ۱۳۲-۱۶۴.
۴. حسینی، سید اسحاق، (۱۳۹۸). چیستی و گستره علم امامان (ع) از دیدگاه آیت‌الله محسنی (ره). مطالعات فلسفی کلامی، ۱۵، ۵-۳۰.
۵. حمیدی، رحمت‌الله، (۱۴۰۰). بررسی حجیت خبر واحد در تفسیر از منظر آیت‌الله محسنی (ره). در مسیر استنباط، ۱۱(۲۴)، ۸۵-۹۶.
۶. خلیلی، عصمت‌الله، (۱۳۹۶). پژوهشی در مباحث نقد سندی آیت‌الله محسنی و اثرات آن. زلال وحی، ۲۷، ۴۳-۶۰.
۷. خولی، امین، (۱۳۴۰ق). مناهج تجدید فی النحو و البلاغة و التفسیر و الادب. قاهره: دار المعرفه.
۸. ذهبی، محمدحسین، (بی‌تا). التفسیر و المفسرون. قاهره: دارالکتب الحدیثه.
۹. رشید رضا، محمد، (۱۴۱۴ق). تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار). بیروت: دار المعرفة.
۱۰. رضایی اصفهانی، محمدعلی؛ فراهی بخشایش، علی اکبر، (۱۳۹۳). سازگاری قرآن و علوم طبیعی از منظر مستشرقان. قرآن‌پژوهی خاورشناسان، ۱۶، ۱۰۹-۱۴۶.
۱۱. رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۸۲). درسنامه روشها و گرایش‌های تفسیری قرآن. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.

۱۲. رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۸۷). تفسیر قرآن مهر. قم: پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن.
۱۳. صدر، محمدباقر، (۱۳۷۹). المدرسه القرآنیه. قم: مرکز الابحاث والدراسات التخصصیة للشهید الصدر.
۱۴. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۵۲). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۰۸ق). مجمع البیان لعلوم القرآن (ج ۸، با تعلیقات فضل الله یزدی طباطبایی و تصحیح هاشم رسولی محلاتی). بیروت: دار المعرفة.
۱۶. فضل الله، سید محمدحسین، (۱۴۱۹ق). من وحی القرآن. بیروت: دار الملائک.
۱۷. محسنی، سعیده، (۱۳۹۸). نگاهی به مبانی و روش های تفسیری حضرت آیت الله العظمی محمد آصف محسنی (ره). کابل: حوزه علمیه خاتم النبیین.
۱۸. محسنی، محمد آصف، (۱۳۷۵). مسایل کابل (چ ۲). مشهد: واقفی.
۱۹. محسنی، محمد آصف، (۱۳۸۴). تفسیر سوره شمس. کابل: [بی نا].
۲۰. محسنی، محمد آصف، (۱۳۸۷الف). متافیزیک. کابل: حوزه علمیه خاتم النبیین.
۲۱. محسنی، محمد آصف، (۱۳۸۷ب). نقش اسلام در عصر حاضر. کابل: [بی نا].
۲۲. محسنی، محمد آصف، (۱۳۹۲). قوانین زندگانی انسان در قرآن. کابل: حوزه علمیه خاتم النبیین.
۲۳. محسنی، محمد آصف، (۱۳۹۴الف). عدالت صحابه در پرتو قرآن، سنت و تاریخ. قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
۲۴. محسنی، محمد آصف، (۱۳۹۴ب). انوار هدایت (ج ۱-۳). کابل: مرکز حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی محسنی.
۲۵. محسنی، محمد آصف، (۱۳۹۴ج). رنگارنگ (ج ۱-۲). کابل: حوزه علمیه خاتم النبیین.
۲۶. محسنی، محمد آصف، (۱۳۹۶). افق اعلی: تفسیر آیاتی از قرآن مجید. قم: نشر ادیان.

۲۷. محسنی، محمد‌آصف، (۱۴۲۸ق). صراط الحق فی المعارف الإسلامیة و الأصول الإعتقادیة. قم: ذوی القربی.
۲۸. محسنی، محمد‌آصف، (۱۴۳۶ق). قرآن یا سند اسلام. کابل: مرکز حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی محسنی.
۲۹. محسنی، محمد‌آصف، (بی‌تا). مقالات در تحلیل دانستنیهای علمی. مشهد: فیروزیان.
۳۰. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور، (۱۳۹۷). مجموعه آثار حضرت آیت‌الله محمد‌آصف محسنی [نرم‌افزار چندرسانه‌ای]. قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.
۳۱. مغنیه، محمدجواد، (۱۴۲۴ق). التفسیر الکاشف. ایران: دار الکتب الإسلامی.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۳۳. میرمحمودی، سیدهادی؛ مودب، سیدرضا، (۱۳۹۴). مبانی تفسیر قرآن از دیدگاه مفسران شیعه. فصلنامه تفسیرپژوهی، ۴، ۱۹۷-۲۳۶.
۳۴. نصر، سید حسین، (۱۴۰۱). پرسشی از پیدایش کیهان؛ کیهان به‌عنوان موضوع مطالعه علمی. ترجمه محدثه امینی، اسلام‌شناسی و قرآن‌پژوهی در جهان معاصر، سال اول، شماره ۱، ۲۸۳-۳۰۲.
۳۵. نصیری، علی؛ نقدی، محمدرضا، (۱۳۸۹). نظریه‌پردازی‌های علمی در دنیای حیوانات بر اساس آموزه‌های قرآنی. قرآن و علم، ۶، ۴۵-۷۶.
۳۶. نفیسی، شادی، (۱۳۹۵). مبانی اختصاصی تفسیر علمی از قرآن کریم. پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ۵(۹)، ۱۴۹-۱۶۸.
۳۷. نفیسی، شادی، (۱۳۹۷). جریان شناسی تفسیر علمی (چ ۱). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۸. ویکی‌شیعه، (بی‌تا). محمد‌آصف محسنی قندهاری. بازیابی‌شده در ۱۲ اوت ۲۰۲۵، از [https://fa.wikishia.net/view/محمدآصف\\_محسنی\\_قندهاری](https://fa.wikishia.net/view/محمدآصف_محسنی_قندهاری)

۳۹. ویکی‌نور، (۱۴۰۳). محسنی (ره)، محمدآصف. بازیابی‌شده در ۱۲ اوت ۲۰۲۵، از

[https://fa.wikinoor.ir/wiki/محمدآصف\\_محسنی](https://fa.wikinoor.ir/wiki/محمدآصف_محسنی)

## Resources

1. Ehsani, M. (2024). The family in the jurisprudential and educational thought of Ayatollah Mohseni (RA). *Journal of Family in the Mirror of Fiqh*, 11, 115–144. (In Persian)
2. Akhlaqi, M. A. (2023). The legitimacy of religious government in political jurisprudence with an emphasis on the viewpoint of Ayatollah Mohseni (RA). *Legal Knowledge*, 1, 167–189. (In Persian)
3. Hosseini, S. I. (2019). The nature and extent of the knowledge of the Imams (AS) from the perspective of Ayatollah Mohseni (RA). *Philosophical-Theological Studies*, 15, 5–30. (In Persian)
4. Hosseini Hanif, S. A., & Tavassoli, A. (2018). The correct method of authenticating the narrations of Biḥār al-Anwār from the viewpoint of Ayatollah Muhammad Asif Mohseni in Mashra'at Biḥār al-Anwār. *Hadith-e Howzeh*, 16, 132–164. (In Persian)
5. Hamidi, R. (2021). An examination of the authority of the single-narrator report (khabar al-wāḥid) in exegesis from the perspective of Ayatollah Mohseni (RA). *Dar Masir-i Istinbat*, 11(24), 85–96. (In Persian)
6. Khalili, E. (2017). A study on Ayatollah Mohseni's discussions on the critique of isnād and its effects. *Zolal-e Vahy*, 27, 43–60. (In Persian)
7. Khulī, A. (1921). *Manāhij al-Tajdīd fī al-Naḥw wa al-Balāghah wa al-Tafsīr wa al-Adab* [Methods of Renewal in Grammar, Rhetoric, Exegesis, and Literature]. Dar al-Ma'rifah. (In Arabic)
8. Dhahabi, M. H. (n.d.). *Al-Tafsīr wa al-Mufasssīrūn* [Exegesis and the Exegetes]. Dar al-Kutub al-Hadīthah. (In Arabic)
9. Rashid Rida, M. (1993). *Tafsīr al-Qur'ān al-Ḥakīm (Tafsīr al-Manār)* [Exegesis of the Wise Quran (The Manar Commentary)]. Dar al-Ma'rifah. (In Arabic)
10. Rezaei Esfahani, M. A., & Farahi Bakhshayesh, A. A. (2014). The compatibility of the Quran and natural sciences from the perspective of Orientalists. *Qur'ānpazhūhī-e Khāvarshenāsān*, 16, 109–146. (In Persian)
11. Rezaei Esfahani, M. A. (2003). *Darsnāmeḥ-ye Ravesh-hā va Gerāyesh-hā-ye Tafsīrī-e Qur'ān* [A Textbook on the Methods and Trends of Quranic Exegesis]. The World Center for Islamic Sciences. (In Persian)
12. Rezaei Esfahani, M. A. (2008). *Tafsīr-e Qur'ān-e Mehr* [The Mehr Exegesis of the Quran]. Research Center for Exegesis and Quranic Sciences. (In Persian)

13. Sadr, M. B. (2000). *Al-Madrasah al-Qur'ānīyah* [The Quranic School]. Markaz al-Abhath wa al-Dirasat al-Takhassusiyyah li al-Shahid al-Sadr. (In Arabic)
14. Tabataba'i, S. M. H. (1973). *Al-Mīzān fī Tafṣīr al-Qur'ān* [The Balance in the Exegesis of the Quran]. Mu'assasat al-A'lami li al-Matbu'at. (In Arabic)
15. Tabarsi, F. ibn H. (1988). *Majma' al-Bayān li-'Ulūm al-Qur'ān* [The Comprehensive Exposition of the Sciences of the Quran] (Vol. 8, H. Rasouli Mahallati, Ed. & F. Yazdi Tabatabaei, Annot.). Dar al-Ma'rifah. (In Arabic)
16. Fadlullah, S. M. H. (1999). *Min Wahy al-Qur'ān* [From the Inspiration of the Quran]. Dar al-Malak. (In Arabic)
17. Mohseni, S. (2019). *Negāhī be Mabānī va Ravesh-hā-ye Tafṣīr-e Ḥaẓrat-e Āyatullāh al-'Uẓmā Muḥammad Āṣif Muḥsinī (RA)* [A Look at the Exegetical Foundations and Methods of His Eminence Grand Ayatollah Muhammad Asif Mohseni (RA)]. Khatam al-Nabiyin Seminary. (In Persian)
18. Mohseni, M. A. (n.d.). *Maqālāt dar Taḥlīl-e Dānestānīhā-ye 'Ilmī* [Articles on the Analysis of Scientific Knowledge]. Firuzian. (In Persian)
19. Mohseni, M. A. (1996). *Masā'il-e Kābul* [The Issues of Kabul] (2nd ed.). Waqifi. (In Persian)
20. Mohseni, M. A. (2005). *Tafṣīr-e Sūrah Shams* [Exegesis of Surah al-Shams]. [n.p.]. (In Persian)
21. Mohseni, M. A. (2008a). *Metaphysics*. Khatam al-Nabiyin Seminary. (In Persian)
22. Mohseni, M. A. (2008b). *Naqsh-e Islām dar 'Aṣr-e Ḥāẓir* [The Role of Islam in the Present Era]. [n.p.]. (In Persian)
23. Mohseni, M. A. (2013). *Qawānīn-e Zendegānī-e Insān dar Qur'ān* [The Laws of Human Life in the Quran]. Khatam al-Nabiyin Seminary. (In Persian)
24. Mohseni, M. A. (2015a). *'Adālat-e Ṣaḥābah dar Parto-ye Qur'ān, Sunnat va Tārīkh* [The Justice of the Companions in Light of the Quran, Sunnah, and History]. Bustan-e Ketab. (In Persian)
25. Mohseni, M. A. (2015b). *Anwār-e Hidāyat* [The Lights of Guidance] (Vols. 1–3). Center for the Preservation and Publication of the Works of Grand Ayatollah Mohseni. (In Persian)
26. Mohseni, M. A. (2015d). *Rangārang* [Variegated] (Vols. 1–2). Khatam al-Nabiyin Seminary. (In Persian)
27. Mohseni, M. A. (2017). *Ufūq-e A'lā: Tafṣīr-e Āyātī az Qur'ān-e Majīd* [The Highest Horizon: Exegesis of Verses from the Glorious Quran]. Nashr-e Aryan. (In Persian)

28. Mohseni, M. A. (2007). *Şirāt al-Haqq fī al-Ma'ārif al-Islāmīyah wa al-Uşūl al-I'tiqādīyah* [The Path of Truth in Islamic Gnosis and Axioms of Belief]. Dhu al-Qurba. (In Arabic)
29. Mohseni, M. A. (2015c). *Qur'ān yā Sanad-e Islām* [The Quran, or the Document of Islam]. Center for the Preservation and Publication of the Works of Grand Ayatollah Mohseni. (In Persian)
30. Mughniyah, M. J. (2003). *Al-Tafsīr al-Kāshif* [The Unveiling Exegesis]. Dar al-Kitab al-Islami. (In Arabic)
31. Makarem Shirazi, N. (1995). *Tafsīr-e Nemūneh* [The Exemplary Exegesis]. Dar al-Kutub al-Islamiyyah. (In Persian)
32. Mir-Mahmoudi, S. H., & Moaddab, S. R. (2015). The foundations of Quranic exegesis from the viewpoint of Shi'i exegetes. *Tafsir Pajouhi*, 4, 197–236. (In Persian)
33. Nasr, S. H. (2022). A question of cosmic origins: The cosmos as a subject of scientific study (M. Amini, Trans.). *Islām-shenāsī va Qur'ān-pazhūhī dar Jahān-e Mo'āşer*, 1(1), 283–302. (In Persian)
34. Nasiri, A., & Naqdi, M. R. (2010). Scientific theorizations in the animal world based on Quranic teachings. *Qur'ān va 'Ilm*, 6, 45–76. (In Persian)
35. Nafisi, S. (2016). The specific foundations of the scientific exegesis of the Holy Quran. *Pazhūshnāmeḥ-ye Tafsīr va Zabān-e Qur'ān*, 5(9), 149–168. (In Persian)
36. Nafisi, S. (2018). *Jaryān-shenāsī-e Tafsīr-e 'Ilmī* [A Genealogy of Scientific Exegesis] (1st ed.). Research Institute of Hawzah and University. (In Persian)
37. Noor Computer Research Center of Islamic Sciences. (2018). *The collected works of Ayatollah Muhammad Asif Mohseni* [Multimedia software]. (In Persian)
38. WikiShia. (n.d.). *Muhammad Asif Mohseni Qandahari*. Retrieved August 12, 2025, from [https://fa.wikishia.net/view/محمدآصف\\_محسنی\\_قندهاری](https://fa.wikishia.net/view/محمدآصف_محسنی_قندهاری) (In Persian)
39. WikiNoor. (2024). *Mohseni (RA), Muhammad Asif*. Retrieved August 12, 2025, from [https://fa.wikinoor.ir/wiki/محمدآصف\\_محسنی](https://fa.wikinoor.ir/wiki/محمدآصف_محسنی) (In Persian)